

ساخت اجتماعی سنگه در جوامع بودایی تهرواده‌ای^۱

ارسطو میرانی^۲

arastoomirani@gmail.com

چکیده

سنگه به معنای نظامی رهبانی مبتنی بر زندگی گروه راهبان یا راهبه‌های بودایی است که با هم جمع شده و جماعت مشخصی را در صومعه بنا بر اصول وینیه برپا می‌دارند. این نظام، مهمترین نهاد دینی در جوامع تهرواده‌ای و مبتنی بر روابط میان اعضاء و رابطه متقابل اعضاء آن با عوام جامعه است. درون سنگه راهبان از منزلت و مزایای نسبتاً برابری برخوردارند اما میان راهبان و راهبه‌ها از جنبه‌های متعددی تبعیض وجود دارد. ممنوعیت فعالیت اقتصادی راهبان تداوم حیات سنگه را به حمایت‌های مالی عوام وابسته می‌کند و سنگه برای حفظ این حمایت‌ها، از یک سوی کارکردهای اجتماعی خاصی را برعهده گرفته و از سوی دیگر، به‌رغم تأکید مذهب تهرواده بر راست‌گویی و بدعت‌گریزی، باورهایی را در میان عوام مطرح نموده است که با تعالیم متناسب به بودا تفاوت و حتی مغایرت دارند.

کلید واژه‌ها

بودایی، سنگه، راهبان، راهبه‌ها، تهرواده، وینیه.

۱. تاریخ وصول: ۸۸/۱۰/۵؛ تاریخ تصویب: ۸۸/۱۲/۷
۲. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرگان

۱. مقدمه

واژه سنگه^۱ در زبان سنسکریت صرفاً به معنای گروهی از افراد است که برای رسیدن به هدفی مشترک با هم زندگی می‌کنند.^۲ اصطلاح سنگه در فرهنگ بودایی به دو معنای گسترده و محدود به کار می‌رود. در معنای گسترده آن، سنگه شامل همهٔ بوداییان یا معتقدان به بودا و تعالیم او، اعم از زن و مرد، می‌شود. در واقع، در این معنا سنگه چهار گروه را در بر می‌گیرد که عبارتند از: ۱. راهب‌ها (بهیکشوها)^۳، ۲. راهبه‌ها (بهیکشونی‌ها)^۴، ۳. مردان عامی یا غیر راهب (اوپسکه‌ها)^۵ و ۴. زنان عامی (اوپسیکه‌ها)^۶. در معنای محدود، سنگه تنها شامل جماعت راهبان و راهبه‌ها می‌شود و در معنایی محدودتر به گروه راهبان یا راهبه‌هایی اشاره دارد که با هم جمع شده و جماعت مشخصی را طبق اصول وینیه^۷ برپا می‌دارند.^۸ برای تشکیل سنگه وجود چهار راهب کافی است.^۹ سنگه، در معنای محدود، بخشی اجتناب‌ناپذیر از دین و فرهنگ بودائی بوده است، چنانکه سرچارلز الیوت دربارهٔ آن می‌گوید «دست‌آورد عملی عظیم بودا بنیان نهادن یک سازمان دینی بود که تا امروز تداوم یافته است. تداوم دین او بیش از هر چیز مدیون این نهاد است».^{۱۰}

موضوع مورد پژوهش در این جستار ساخت اجتماعی سنگه یعنی روابط اعضای سنگه به معنای محدود آن یعنی جماعت راهبان و راهبه‌ها با یکدیگر و رابطهٔ متقابل سنگه در یک جامعهٔ بودائی تهرادهای با عوام آن جامعه می‌باشد.

-
1. sangha
 2. Prebish, C. S., & Keown, D., *Introducing Buddhism*, Routledge, 2006, p. 61.
 3. bhiksu
 4. bhiksuni
 5. upasaka
 6. upasika
 7. Keown, D., *Buddhism*, New York, Oxford University Press, 1996, p. 10.
 8. Vinaya
 9. Prebish, C. S. & Keown, D., p. 61.
 10. Bechert, Heinz, "Samgha", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995, vol.13, p. 36.
 11. Eliot, Sir Charles, *Hinduism and Buddhism: A Historical Sketch*, Curzon Press, vol. 1, p. 237.

۲. بنیانگذاری سنگهه

بودائیان بر این باورند که گنومه بودا خود بنیانگذار سنگهه بوده است. در منابع بودائی آمده است که بودا بعد از اینکه زیر درخت بودهی به اشراق رسید و به حقایق هستی انسان پی برد، مدت ۴۹ روز در اطراف درخت بودهی بود و به تأمل دربارهٔ تجربهٔ بدیع خویش پرداخت.^۱ او بعد از غلبه بر ماره، دیوی که او را از اشاعهٔ حقایق و بینش‌های نویافته‌اش بازداشت، نزد پنج مرتاضی رفت که پیش از آن مدتی را با آنها به ریاضت پرداخته بود و نخستین موعظه‌اش را در باغی در نزدیکی وارانسی (بنارس) برای آنها بیان کرد و آنها نخستین مریدان او شدند. بودائیان این روز را تاریخ تأسیس سنگهه می‌دانند.^۲ در بیست و چهار فصل نخست از بخش کندهکه^۳ از وینه پیتکه^۴ اشراق بودا و بنیان نهادن سنگهه توسط او گزارش شده است. به باور رادهاکریشنان نیز بخش اعظم فعالیت بودا وقف تعلیم مریدان و سازمان‌دهی سنگهه می‌شد، چون همواره از او درخواست می‌شد که قوانینی را برای شیوهٔ گذران زندگی راهبان و سازماندهی آنان در قالب سنگهه وضع نماید.^۵

جماعت پیروان بودا در آغاز سیار بودند و منزل مشخصی نداشتند، اما توقف‌های پیاپی در روزهای بارانی، به تدریج آنها را به سکونت در مکان‌هایی خاص تشویق نمود و در نهایت، میل به داشتن یک حامی ثابت و احساس مفید بودن برای یک جامعهٔ حامی آنها را به سکونت در همان دیرها تشویق کرد. بنابراین، پس از مرگ بودا این عزلت‌گزینی‌های فصلی نهادینه شد، دیرهای بزرگتری بنا شدند و راهبان بیشتر وقت خود را در آنها می‌گذراندند. بسیاری از این دیرها در نزدیکی شهرها یا روستاها بنا می‌شدند تا هم جمع‌آوری پیشکش‌ها و صدقات برای راهبان آسانتر باشد و هم فضای آرام و مناسبی برای مراقبه و تمرکز آنها فراهم آید.^۶

1. Prebish, C. S. & Keown, D., p. 60.
2. Kashyap, J., "Origin and Expansion of Buddhism", *The Path of the Buddha*, Kenneth W. Morgan (ed.), New York, The Ronald Press, 1956, p. 33.
3. khandhaka
4. Vinaya pitaka
5. Radhakrishnan, S., *Introduction to The Dhamapada*, S. Radhakrishnan (trans), Oxford, Oxford University Press, 1982, p.13.
6. Prebish, C. S. & Keown, D., p. 69-70.

زندگی جمعی در این مکان‌ها نیز به شرایط و مقررات خاصی نیاز داشت که به تدریج تعیین شدند. همانطور که گفته شد بودائیان بر این باورند که بودا در زمان حیات خود اصول و قوانین زندگی در سنگه را تعیین کرد.^۱ این قوانین در نخستین بخش از مجموعه متون مقدس بودایی یا تریپیتکه^۲ با نام «وینیه پیتکه» (سبب اصول رهبانی) تدوین شده و نسخه‌های متعددی از آن در دست است.

در آغاز شکل‌گیری سنگه، دین بودا جنبه تبلیغی بارزی داشت و پذیرش افراد به درون آن آسان و بدون سخت‌گیری بود. سنگه، به خاطر اعتبار و احترام خاصی که بودا نزد همگان داشت، از وجهه اجتماعی شایسته‌ای برخوردار بود. مردم در برآوردن نیازهای روزمره راهبان، که آنها را اسوه اخلاق و چشم‌پوشی از نیازها و امیال انسانی می‌دانستند، چیزی دریغ نداشتند و حتی امرا و شاهان نیز برای آنان امتیازات خاصی در سطح جامعه قائل شدند. این مسئله باعث ترغیب افراد زیادی شد که بدون اینکه اعتقاد خاصی به آموزه‌ها و آرمان‌های بودا و سنگه داشته باشند، تنها برای برخورداری از مواهب دنیوی سنگه به آن پیوندند. پاچو معتقد است که بسیاری از افراد یا با آرزوی رسیدن به امنیت و وجهه اجتماعی راهبان بودائی، یا صرفاً برای رسیدن به یک زندگی راحت و بی‌دردسر به سنگه پیوستند.^۳ به نظر تورکل برک نیز در زمان ظهور دین بودا، طبقات پایین جامعه هند بیش از همه در پیوستن به سنگه انگیزه‌های غیردینی و دنیوی داشتند.^۴

کاملاً طبیعی است که ورود این گونه اشخاص با انگیزه‌های غیردینی و غیرمعنوی به سنگه تأثیر نامطلوبی بر کارکرد، و منزلت و قداست آن در افکار عمومی گذاشته باشد. از سوی دیگر، از آنجا که سنگه برای گذران زندگی اقتصادی خود نیز کاملاً وابسته به صدقه‌ها و پیشکش‌های همین عوام بود، باید برای تبریئه خود از اتهامات، و احیاء قداست و منزلت خود، با وضع قوانین و اصولی برای پذیرش تازه واردان از ورود اشخاصی با

1. Kashyap, J., p. 34.

2. Tripitaka

3. Pachow, W., *A Comparative Study of the Pratimoksha*, India, Sakntiniketan Press, 1955, p. 66.

4. Brekke, Torkel, *Religious Motivation and the Origins of Buddhism*, Routledge, 2002, p. 22.

انگیزه‌های غیرمعنوی و غیردینی جلوگیری می‌کرد. به همین دلیل در بخش‌های بعدی وینیه پیتکه آمده است که بودا اصول سختگیرانه تری برای پذیرش داوطلبان در نظر گرفت. این قوانین بیشتر برای ممانعت از ورود داوطلبانی بود که صلاحیت عضویت در سنگهه را نداشتند.^۱ افزون بر این، به تدریج قوانینی برای شیوه سلوک در سنگهه و مجازات متخلفان و همچنین نحوه رفتار راهبان با عوام مقرر شد.

۳. روابط درونی سنگهه

۳.۱. روابط راهبان با یکدیگر

در آغاز در میان راهبان و اعضاء سنگهه برابری کامل برقرار بود و میان آنان هیچ سلسله مراتبی وجود نداشت. در داخل سنگهه، نظام کاستی که بر جامعه هندوی آن زمان حاکم بود، اعتباری نداشت. بودا به یاران خود گفته بود:

«راهبان! همانطور که رودخانه‌های بزرگ ... وقتی که به اقیانوس می‌رسند، نامها و نشان‌های پیشین خود را از دست می‌دهند و به عنوان اقیانوس شناخته می‌شوند، چهار طبقه ... نیز وقتی که طبق تعلیم و روش آموخته شده توسط تنهاگته^۲ از خانه به سوی بی خانمانی پیش روند، نام و نیای خود را از دست می‌دهند و با عنوان زاهد شناخته می‌شوند.»^۳

به باور رادها کریشنن راهبان حتی بودا را نیز تنها آموزگار خود می‌دانستند،^۴ نه رهبر و پیشوا، و در بعضی از متون معتبر پالی به مواردی از نافرمانی راهبان از بودا و ناتوانی او از مطیع کردن آنها اشاراتی شده است.^۵ بودا در میان راهبان هیچ برتری خاصی برای خود قائل نبود.

بعدها ساختاری سلسله مراتبی در داخل سنگهه به وجود آمد که معیار اصلی آن تعداد سالهایی بود که شخص در سنگهه گذرانده بود. در هر حال، طبیعی است که میان استاد و

1. Eliot, C., Vol. 3, p. 37.

2. tathagatha

3. *The Dhamapada*, Radhahrishnan, S. (trans), p. 14.

4. Sunanda, Putuwar, *The Buddhist Sangha*, New York, 1991, p. 39.

5. Barea, Andre, "Hinayana Buddhism", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995, Vol.2, p. 444.

شاگرد، و افراد با سابقه و کم سابقه، یا کسانی که تازه وارد بودند و کسانی که تشریف کامل یافته و بهیکشو شده بودند تمایزی وجود داشته باشد. اما این سلسله مراتب تعیین کننده روابط قدرت نبود و قرار گرفتن در مراتب بالا جز احترام و قداست بیشتر هیچ گونه اقتدار یا قدرت اعمال نفوذی را نصیب راهب نمی‌کرد. البته هر جماعتی از راهبان باید با اتفاق نظر، یک راهب مسن تر، توانا، دانا و نجیب را به عنوان استاد یا آموزگار خود انتخاب می‌کردند، اما نه او و نه هیچ کس یا حتی گروه خاصی اقتداری مؤثر و قدرتمند که بتواند به وسیله آن برای دیگران، به رغم میل آنها، تعیین تکلیف، یا تشویق و مجازات کند، نداشت و هیچ راهبی مجبور به پیروی و اطاعت از راهبان ارشد و مسن تر نبود. همه از حق اعمال نفوذ و اظهار نظر برابر برخوردار بودند.^۱ هیچ یک از تصمیمات و اعمال سنگه توسط فرد واحدی اتخاذ نمی‌شد و هیچ یک از اصول و قوانین نیز توسط فرد واحدی وضع نمی‌گردید. برای انجام هر عمل حداقل چهار نفر لازم بود و اتخاذ تصمیمات مهم به اتفاق آراء نیاز داشت، اما برای تصمیماتی که از اهمیت کمتری برخوردار بودند، اکثریت آراء کافی بود.^۲ برای داوری درباره خطاها و تعیین مجازات باید حداقل بیست راهب رأی می‌دادند.^۳ البته حکم صادره نیز ضمانت اجرائی نداشت. همین مسئله عدم برخورداری از قدرت اجرائی برای تضمین اجرای احکام، اغلب سنگه را برای حفظ ارزش‌ها، تضمین احترام به قوانین تعیین شده در رفتار و زندگی راهبان، و فرونشاندن و حل و فصل کشمکش‌های احتمالی میان آنها، به قدرت سیاسی بیرون از سنگه، همچون سلطان یا پادشاه حاکم بر جامعه‌ای که سنگه در آن بود، وابسته می‌کرد.^۴

رابطه سنگه با قدرت سیاسی موضوع مفصل دیگری است که در این جستار مجالی برای پرداختن به آن نیست. تنها باید به این نکته اشاره کرد که گاه دخالت‌های قدرت سیاسی منجر به پاک سازی‌های گسترده سنگه از راهبانی می‌شد که قوانین آن را نقض

1. Coomaraswamy, Ananda K., *Buddha and the Gospel of Buddhism*, New Delhi, Munshiram Manoharlal Publishers, 2003, p. 145.
2. Bechert, Heinz, vol. 13, p. 37.
3. Hirakawa, Akira, *A History of Indian Buddhism*, Harvard, Harvard University Press, 1990. p. 69.
4. Seneviratne, H.L., "Samgha and Society", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995, vol. 13, p. 43.

می‌کردند و احتمالاً از اعتبار سنگهه نزد مردم می‌کاستند. این پاکسازی‌ها هم مورد رضایت بیشتر راهبان اصول‌گرا بود و هم مردمی که همواره دغدغه پاک ماندن سنگهه، به عنوان تجسم ایده‌آل ارزش‌ها و باورهای مذهبی خود را داشتند. برای توده‌های مردم، آلوده شدن سنگهه به راهبان نالایق از ارزش هدایای آنها به سنگهه و در نتیجه توشه‌ای که آنها برای زندگی آینده خود می‌اندوختند، می‌کاست.^۱

۲.۳. روابط راهبان و راهبه‌ها

برخلاف برابری نسبتاً کاملی که میان راهبان یا مردان سنگهه برقرار بود، در میان زنان و مردان چنین برابری وجود نداشت. در این دین نوعی نابرابری فاحش میان زنان و مردان وجود دارد. اساساً از آنجا که شرط لازم نجات در دین بودا ترک هر گونه تعلق و دلبستگی و میل است و قوی‌ترین و فراگیرترین میل مردان، میل آنها به معاشرت با زنان است، نگاه بسیار تحقیرآمیزی نسبت زنان در میان بودائیان رایج بوده است. بنابر همه روایات موجود خود گواتمه بودا نیز چنین نگاهی به زنان داشته است. در دهمه پده از او نقل شده است که تا مرد شهوت خود را، هر اندازه هم که کم باشد، به زن از بین نبرد، ذهنش بسته است (بند ۲۸۴). پرسش و پاسخی نیز میان بودا و آننده درباره برخورد و رفتار با زنان روایت شده است:

«سرورم، باید با زنان چگونه رفتار کنیم؟»

آنها را نبینید آننده.

اما اگر آنها را دیدیم، چه کار کنیم؟

از صحبت کردن خودداری کنید.

اما اگر آنها با ما سخن گفتند چه کار کنیم؟

کاملاً هشیار باشید!^۲

بودا حتی با اکراه و بدبینی اجازه ورود به سنگهه را به زنان داد. در متون بودائی آمده است که در سال پنجم از زمان اشراق بودا و آغاز فعالیت دینی او، گروه زیادی از زنان

1. Senevirante, H. L., vol. 13, p. 43.

2. *The Dhamapada*, p. 14.

خواهان ورود به سنگه بودند و مهاپرَچاپتی^۱، خاله و نامادری بودا را، که نزد او از حرمت فراوان برخوردار بود، واسطه این کار کردند، اما بودا به رغم خواهش‌های فراوان خاله‌اش، راضی به ورود زنان به سنگه نشد. یک بار دیگر و در شهری دیگر خاله بودا، شاگرد و دوست او، آنده را واسطه قرار داد و بالاخره پس از اصرار فراوان وی بودا راضی شد که به شرط رعایت هشت اصل گروه‌هرمه^۲، زنان نیز اجازه ورود به سنگه را داشته باشند. با این همه، وی اظهار داشت که ورود زنان به سنگه باعث زوال زودرس آن خواهد شد.^۳ هشت اصل مذکور عبارتند از: (۱) هر راهبه‌ای حتی اگر صدسال سابقه تشریف داشته باشد، در همه حال باید هر راهبی را، حتی اگر تنها یک روز سابقه تشریف داشته باشد، بزرگتر و ارشد خود بداند و به گونه‌ای شایسته به او احترام بگذارد، به او سلام کند، در برابر به او احترام برخیزد و در مقابل او تعظیم کند؛ (۲) در ایام بارانی راهبه‌ها حق اقامت در منطقه‌ای که در آن راهبی سکونت نداشته باشد، ندارند؛ (۳) راهبه‌ها باید برنامه‌های خود را مطابق برنامه راهبان تنظیم کنند؛ (۴) در آخر ایام بارانی راهبه باید پذیرای انتقادات هر دو گروه راهبان و راهبه‌ها باشد؛ (۵) در صورت ارتکاب خطائی جدی در برابر هر دو گروه تن به مجازات دهد؛ (۶) یک تازه وارد مؤنث باید دو سال دوره نوازموزی را بگذراند و بعد از آن از هر دو گروه راهبان و راهبه‌ها تقاضای تشریف کند؛ (۷) هیچ راهبه‌ای نباید به راهبی ناسزا بگوید؛ (۸) یک راهبه به هیچ عنوان حق دادن تذکر یا هشدار به یک راهب را ندارد، اما برعکس آن کاری شایسته و حتی واجب است.^۴

مدتی پس از تأسیس بهیکشونی سنگه، مهاپرَچاپتی از بودا خواست که اصل اول را لغو کند تا در رعایت احترام متقابل راهبان و راهبه‌ها به هم، ارزش و مقام معنوی آنها مورد توجه باشد، اما بودا درخواست او را نپذیرفت. زیرا از نظر او چنین کاری اصولاً ناپسند و غیرممکن است و راهبان هرگز نباید در برابر راهبه‌ها سر فرود آورند، چون جنس برتر هرگز نباید در برابر جنس پست تر تعظیم کند. دلیل دیگر بودا این بود که لغو این اصل

1. Mahāprajāpatī

2. garudharma

3. Horner, I. B., *Women under Primitive Buddhism*, London, 1930, pp. 103-104.

4. Robinson, Richard H., et al., *Buddhist Religion*, Thomson Wadsworth, 2005, p. 54.

مرزهای میان راهبان و راهبه‌ها را از میان می‌برد و موجب می‌شود که عوام درباره‌ عهد مجرد آنها تردید کنند.^۱

به این ترتیب می‌بینیم که اصول بنیادینی که هر راهبه‌ای قبل از ورود به سنگه باید آنها را بپذیرد و همواره مدنظر داشته باشد، نیز برتری مرد بر زن در ساختار سنگه را به خوبی نشان می‌دهد. تحقیر راهبه‌ها تا آنجا بود که در آغاز مراسم تشریف از آنها می‌پرسیدند که «آیا تو یک انسانی؟»^۲

افزون بر این، ورود زنان به سنگه باید با اجازه‌ خویشاوندان صورت می‌گرفت، اما مردان چنین محدودیتی نداشتند.^۳ در داخل سنگه هم سختگیری نسبت به زنان بسیار بیشتر از مردان بود. معمولاً برای راهبان ۲۵۰ فرمان و برای راهبه‌ها ۳۵۰ قاعده وجود داشت.^۴

تفاوت مهم دیگر میان راهبان و راهبه‌ها این بود که در حالیکه یک راهب ارشد می‌توانست همزمان استاد چندین راهب تازه‌وارد باشد، یک راهبه ارشد در هر دو سال تنها می‌توانست استاد یک راهبه تازه وارد باشد. همین اصل موجب شد که جمعیت راهبه‌ها همواره کمتر از جمعیت راهبان باشد. زنان داوطلب پیوستن به سنگه، می‌بایست ابتدا به مدت دو سال اصول دهگانه پراتی موکشه را رعایت کنند. در صورت نقض هر یک از این اصول دوره دو سالة او دوباره از نو شروع می‌شد.^۵

البته برای ممانعت از سوء استفاده راهبان از موقعیت پایین تر راهبه‌ها نیز قوانینی در وینیه آمده است. برای نمونه، راهبان حق نداشتند از راهبه‌ها بخواهند که کاری برای آنها انجام دهند. راهبه‌ها نیز حق داشتند که هر راهبی را که رفتار ناشایستی با آنها داشته باشد، طرد کنند. البته غیر از جلسات دو هفتگی قرائت وینیه، راهبان و راهبه‌ها معمولاً از هم جدا بودند و رابطه چندان با هم نداشتند.^۶

1. Robinson, Richard H., et al., p. 55.

2. Horner, I. B., p. 243.

3. *The Dhamapada*. p. 15.

4. Hirakawa, Akira, p. 69.

5. Robinson, Richard H., et al., p. 56.

6. Ibid, p. 55.

۴. روابط متقابل سنگه و عوام

تهرواده اساساً مذهبی برای راهبان تارک دنیا و طریقی برای ارهت شدن است. از دیدگاه این شاخه از دین بودایی، جز راهبان، کسی نمی‌تواند خود را پیرو راستین بودا بداند زیرا نمی‌تواند توصیه‌های او را در راه رهایی از رنج سمساره و رسیدن به نیروانه به جای آورد. با این همه، یا به دلیل دلبستگی به دنیا و جذابیت‌های آن، و یا دشوار دیدن طریق ارهت شدن بعید است که همه افراد یک جامعه دل از همه تعلقات بشویند و راه نیروانه را در پیش گیرند. از همین رو، از همان آغاز شکل‌گیری دین بودایی، افراد زیادی بودند که می‌خواستند به زندگی عادی خود و برخورداری از مواهب و لذت‌های دنیوی ادامه دهند و در عین حال تا آنجا که مقدور باشد از بودا پیروی کنند. از سوی دیگر، در این دین، بنا به دلایل اقتصادی، سنگه بدون سخاوت و گشاده دستی عوام نمی‌توانست به حیات خود ادامه دهد. اعضاء سنگه خود هیچ چیزی نداشتند، زیرا وقتی به عضویت سنگه در می‌آمدند، باید دست از هر آنچه که داشتند می‌شستند و آن را به دیگران واگذار می‌کردند. در کهن‌ترین متون پالی از راهبان خواسته شده است که ردهای خود را از تکه‌های به دور ریخته شده پارچه بدوزند و زیر درختان بخوابند، یعنی در فقر مطلق زندگی کنند. اما با گسترش و پیشرفت سنگه، به آنها اجازه داده شد که سه ردا، یک کمر بند، یک کاسه گدایی و یک صافی برای جلوگیری از بلعیدن حشرات هنگام نوشیدن آب داشته باشند.^۱ اعضاء سنگه هیچ گونه فعالیت اقتصادی نداشتند و تنها با آنچه که مردم به آنها می‌دادند، زندگی می‌کردند. این مسئله وابستگی آنها را به عوام ناگزیر می‌ساخت. از این رو، وجود عوام یا کسانی که بدون در پیش گرفتن طریق رهبانیت خود را پیرو و معتقد به بودا می‌دانستند، از همان آغاز به رسمیت شناخته شد.

توده مردم معمولاً آمیدی به رسیدن به نیروانه نداشتند، اما به آنها اطمینان داده شد که فضائل و اعمال نیک در این زندگی، آبرومندی و نیک‌نامی، اعتماد به نفس در میان جمع و مرگی آرام و بی درد و رنج را نصیبشان خواهد کرد و در بهتر شدن زندگی آنها در

1. Collcutt, Martin, "Buddhist Monasticism", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995, vol. 10, p. 43.

دوره‌های بعدی موثر خواهد بود و حتی ممکن است باعث شود که به جای تولد در مرتبه بشری، در بهشت متولد شوند.^۱

به این صورت باورها و اهداف نجات‌شناختی خاصی برای عوام مطرح شد که برگرفته از باورهای دین هندویی بود و با باورها و اهداف نجات‌شناختی راهبان تفاوت داشت. بر اساس این باورها، جهان دارای مراتبی است که انسان‌هایی که به نیروانه نرسیده‌اند، بر اساس میزان ثواب یا گناهانشان در یکی از این مناطق دوباره متولد می‌شوند. بیشتر این مراتب پایین تر و دردناک تر از مرتبه انسانی‌اند و برخی بالاتر از آن قرار می‌گیرند.

اما مسئله مهم در این تحقیق، همان رابطه میان راهبان و مردم عادی است و مهمترین موضوعی که در این رابطه وجود دارد، همان وابستگی اقتصادی سنگهه به عوام است. تهرواده‌ای‌های عامی، با اینکه در کشورهای فقیری زندگی می‌کنند و خود در فقر به سر می‌برند، مخارج سنگین راهبان را تأمین می‌کنند، آن هم به گونه‌ای که راهبان با آنکه هیچ فعالیت اقتصادی دیگری جز گرفتن صدقه از دیگران ندارند، از همین راه بسیار ثروتمند و صاحب ساختمان‌های قصر مانند، املاک فراوان، ذخائر فراوان از طلا و نقره و حتی برده شده‌اند. تا آنجا که وفور نعمت بسیاری را تشویق کرده که از برخی لذت‌های دیگر گذشته به آن روی آورند.^۲ پرسش اصلی این بخش از پژوهش حاضر این است که چرا تهرواده‌ای‌های عامی حتی اگر در فقر زندگی کنند، همواره بخشی از اموال خود را به سنگهه هدیه می‌دهند؟

در تلاش برای یافتن پاسخی برای این پرسش، دو علت اصلی شناخته شد. از یک سو سنگهه برای عوام کارکردهایی دارد که آنها خود را نیازمند آن می‌دانند و بخشی از کمک خود به سنگهه را هزینه‌ای می‌دانند که در قبال این خدمات پرداخت می‌کنند. از سوی دیگر، ظاهراً این علت به تنهایی برای ترغیب عوام به بخشندگی در قبال سنگهه کافی نبوده‌است و به همین دلیل سنگهه باورهای اعتقادی و ایدئولوژیک خاصی را در میان عوام رواج داده است که بیشتر تضمین‌کننده منافع آن از جانب عوام است.

1. Robinson, Richard H. et al., p. 58.

2. Ibid, p. 57.

۴. ۱. کارکردهای سنگه برای توده مردم

یکی از مهمترین کارکردهای هر دین امیدبخشی به مؤمنان است. در هر جامعه، انسانها همواره به دنبال مزیتها و موهبت‌هایی هستند که عملاً دستیابی به آنها برای همگان غیر ممکن است. به بیان دیگر، همواره میان آنچه که انسان می‌خواهد و از زندگی خویش انتظار دارد، و آنچه که دسترسی به آن برای او امکان پذیر است، فاصله زیادی وجود دارد. یکی از انگیزه‌ها و محرک‌های اصلی انسان‌ها در زندگی و تلاش روزانه، غلبه بر محدودیت‌ها و نزدیک شدن به آن خواسته‌هاست. بعضی از این خواسته‌ها عینی و محسوس‌اند و امکان رسیدن به آنها در همین دنیا وجود دارد، مانند درمان یک بیماری، رسیدن به موقعیت شغلی بهتر و...؛ اما حتی تصور رسیدن به برخی دیگر از این خواسته‌ها در این دنیا غیر ممکن است و تنها با فرض وجود قلمرویی فراتر از عالم طبیعت می‌توان امیدی به برآوردن آنها داشت، مانند جاودانگی یا زندگی طولانی سعادت‌مندان و بدون رنج. واقعیت این است که خواسته‌های نوع اول اگر چه در این دنیا دست یافتنی‌اند، اما بسیاری از مردم در وضعیت‌هایی زندگی می‌کنند که امید رسیدن به خواسته‌هایشان با توجه به توانائی‌ها و امکانات محسوس و محاسبه پذیرشان وجود ندارد. از طرف دیگر خواسته‌های نوع دوم نیز برای همگان به یک اندازه دور از دسترس‌اند. نتیجه آن است که بسیاری از انسان‌ها همواره از این رنج در عذاب‌اند که از زندگی مطلوب و دلخواه خویش فاصله زیادی دارند و بسیاری از آرزوهایشان هرگز برآورده نخواهند شد. یکی از کارکردهای بسیار ضروری دین در همین جاست. دین در جایی که شخص از دیگر منابع امید در زندگی ناامید شود، دری دیگر به روی انسان می‌گشاید. تقریباً در همه سنت‌های دینی این باور وجود دارد که همه آنچه در عالم طبیعت و شهادت اتفاق می‌افتد، تحت تأثیر نیروها و اراده‌هایی است که در عالم فراطبیعت یا غیب‌اند و انسان می‌تواند با اعتقاد به مفاهیم و باورها و انجام اعمال خاصی آن نیروها و اراده‌ها را پشتیبان خویش سازد. دین به انسان وعده برقراری ارتباط با نیروها یا موجودات نیرومند فوق طبیعی را می‌دهد. موجوداتی که کارهای زیادی از دست آنها ساخته است و انسان نیز با یاری آنها می‌تواند به بسیاری از آرزوهایش برسد.

اکثریت قریب به اتفاق ادیان قائل به وجود نیروها یا موجودات قدرتمندی در آن قلمرو فراطبیعی و گسترده‌تراند، که انسان می‌تواند با دلجویی از آنها و کسب خشنودی‌شان در

مواجهه با هر مشکل و مانعی از آنها یاری بگیرد. باور به وجود این نیروهای یاریگر، به انسان دیندار احساس برخورداری از قدرتی بسیار عظیم را می‌دهد و او را به غلبه بر بزرگترین موانع و رفع دشوارترین مشکلات امیدوار می‌سازد. این استفاده از دین و اعتقادات دینی برای تأثیر گذاشتن بر نیروهای طبیعی و رسیدن به اهداف دنیوی با عنوان بسیار کلی و فراگیر جادو^۱ شناخته می‌شود و نیاز انسان‌ها به آن به حدی است که بسیاری از دین پژوهان باور دارند که «هر دینی برای آنکه بتواند زنده بماند و برای آنکه پای خود را روی زمین نگه دارد، باید بتواند تا حدی به دلمشغولی‌های مادی و دنیوی عوام توجه کند. باید بتواند خود را وارد جریان زندگی عامه کند، که در گذشته تقریباً تحت سیطره جادو بود».^۲

برخی از دین پژوهان آیین بودائی تهرواده را از این نظر استثنا دانسته‌اند. به باور این محققان در این شاخه بودائی اعتقادی به موجودات فوق طبیعی وجود ندارد. از دید این محققان، شاخه تهرواده بیش از دیگر مذاهب بودائی به تعالیم بودا وفادار و پایبند بوده و درون آن بدعت و نوآوری کمتری صورت گرفته است. بنابراین، اصولاً راهبان تهرواده باید بیش از هر چیز دغدغه‌رهایی خود از دام سمساره را داشته باشند و برای رسیدن به این منظور به مراقبه و پرورش فضائل اخلاقی در وجود خود بپردازند تا در نهایت، خاطر خود را از هر گونه تعلق پیراسته و به نجات دست یابند. راهبان تهرواده کشیش یا روحانی، به معنای رایج در دیگر ادیان نبوده‌اند. آنها هرگز ادعای آن را نداشته‌اند که می‌توانند گناهان دیگران را ببخشند و آنها را به نجات نزدیک تر سازند، یا آنکه کسی را لعن و تکفیر کنند.^۳ آنها برخلاف روحانیان دیگر ادیان، چندان دغدغه انجام آیین‌های مذهبی برای عوام را ندارند، به ویژه این که در آیین تهرواده، اساساً اعتقادی به نیروهای غیبی تأثیرگذار بر سرنوشت و نجات انسان وجود ندارد، تا راهبان خود را واسطه میان آن نیرو و مردم معرفی کنند. بررسی متون مقدس بودائی به روشنی نشان می‌دهد که دین بودائی اولیه با اجرای آیین‌های دینی به عنوان ابزاری برای رسیدن پیشرفت و تعالی معنوی مخالف بوده است.

1. magic

2. Conze, Edward, *Buddhism: Its Essence and Development*, New Delhi, Munishram Manoharlal Publishers, 2001, p. 83.

3. Coomaraswamy, A. K., p. 147.

نظر این محققان درباره آیین بودائی اولیه و اندیشه دینی بسیاری از راهبان تهروداه درست می‌نماید. بودا می‌گفت که هر انسانی در نهایت باید خود با اراده و تلاش شخصی به نجات دست یابد.^۱ او زندگی کامل و درست را جدا از هر گونه ارتباطی با خدایان یا هر گونه نیرویی که بیرون از خود شخص باشد، تصور می‌کرد. به نظر او بهترین و بدترین چیزهایی که برای شخص روی می‌دهند، ریشه در درون خود او دارند و امکان کمک گرفتن از هیچ نیروی دیگری وجود ندارد.^۲ اما این محققان، تنها به تعالیم بودا و راهبانی توجه کرده‌اند که سعی در پیروی دقیق از این تعالیم داشته‌اند و به دینداری عوام تهروداه و انتظارات آنها از راهبان توجه کافی نداشته‌اند.

در طول تاریخ و به دنبال انتشار این دین در کشورها و فرهنگ‌های مختلف، تحول مهمی در برخی از باورها و نقش اجتماعی راهبان صورت گرفت. چنین به نظر می‌رسد که عامه معتقدان تهروداه‌ای، توجه چندانی به هدف دور از دسترس نیروانه ندارند، زیرا شیوه زندگی آنها به گونه‌ای نیست که به آن منتهی شود. بنابراین، آنها توجه چندانی نیز به اعمالی چون تمرکز، مراقبه و مفاهیمی از این قبیل ندارند و دینداری آنها بیشتر معطوف به کرمه و تولد دوباره و برخورداری از مواهب این دنیا است.^۳ پیروان عامی دین بودا و شاخه تهروداه، همانند پیروان همه ادیان به جادو و نیروهای جادویی مقدسات خود اعتقاد دارند و آنها را در زندگی خود مؤثر می‌پندارند. از نظر آنها فراوانی و سلامت محصولاتشان تا حد زیادی وابسته به آیین‌های ساده‌ای است که راهبان برای آنها برگزار می‌کنند و بیشتر آنها براین باورند که اگر این مراسم برگزار نشود، محصولات آنها از بین خواهد رفت، یعنی آن که حاصلخیزی خاک و سلامتی جماعت وابسته به راهبان و اعمال آنهاست.^۴

در نخستین قرن‌های شکل‌گیری این دین، تماس با اشیائی که بقایا یا یادگارهای بودا و یاران او به شمار می‌آمد، احساسی از قداست و نیرومندی به مردم می‌داد و به تدریج، تکریم این اشیاء در میان آنها رواج یافت و بیانگر احساسات و عواطف دینی آنها شد. اما راهبان چنین اعمالی را زحمت‌های بیهود و اتلاف وقت ناشی از بی‌خبری می‌دانستند. در

1. Radhahrishnan, S. (trans), *The Dhamapada*, p. 21.

2. Ibid, p. 19.

3. Conze, Edward, p. 87.

4. Idem, p. 83.

این زمان بیشتر بودائیان عامی همانند دیگر هندوان خدایان هندو را می‌پرستیدند و از اوراد و اذکار هندوئی برای برآوردن نیازهای خود به ارتباط با عالم غیب، و یاری جستن از نیروهای آن بهره می‌گرفتند.^۱ شاید به همین دلیل بود که آشوکا، پادشاه قدرتمند حامی دین بودا، به راهبان توصیه کرد که به نیازها و دغدغه‌های عوام توجه بیشتری داشته باشند و ظاهراً پس از آن چنین تغییری در رفتار بیشتر آنها روی داد.^۲

بنابراین، با وجود آیین‌گریزی خاصی که در آیین بودائی اولیه و شاخهٔ تهرواده وجود داشت، به تدریج و به ویژه پس از انتشار این دین به خارج از هند و ورود آن به فرهنگ‌های دیگر، تحت تأثیر فرآیند فرهنگ‌پذیری، تحولی در کارکرد و نقش راهبان تهرواده نیز صورت پذیرفت و آنها در انجام مراسم آیینی عوام نیز نقش‌هایی برعهده گرفتند. چندان که امروزه می‌توان راهبانی را در سریلانکا یافت که طالع‌بینان حرفه‌ای نیز به شمار می‌روند.^۳ از نظر تاریخی نیز، نمایش قدرت‌های فوق طبیعی و انجام اعمال معجزه‌آسا یکی از علل مهم گرویدن قبایل و افراد گوناگون به دین بودا بوده است.^۴

به این ترتیب، در دین بودائی ترکیب شگفت‌انگیزی از نغی خودبینی و نهمی از جستجوی منافع شخصی، همراه با پناه بردن به مقدسات دینی برای کسب همان منافع به وجود آمد. هر چند این ترکیب بسیار غیرمنطقی به نظر می‌رسد، اما واقعیتی است که در زندگی و عقیدهٔ بخش اعظم بودائیان تهرواده‌ای وجود دارد.

ملفورد اسپيرو که تحقیقات میدانی گسترده‌ای در جوامع تهرواده‌ای انجام داده است، در این باره می‌گوید:

«در کشورهای تراودائی معاصر باور بر این است که خود بودا- یا از نظر مؤمنان فرهیخته‌تر، قدرت او- در مقابل شر و آسیب از مردم محافظت می‌کند ... روستائیان برمه‌ای اوراد بودائی را ذکر می‌کنند و در مقابل برخی از مجسمه‌ها و تمثال‌های بودا آیین‌هایی را به جا می‌آورند، چون بر این باورند که این مقدسات می‌توانند از آنها در مقابل شرور محافظت

1. Idem, p. 86.

2. Ibid.

3. Holt, John C., "Buddhist Priesthood", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995, Vol. 11, p. 544.

4. Conze, Edward, p. 84.

کنند، جای نیش مارها را درمان کنند و همچنین راهبان بودایی در حضور جماعت مؤمنان بخش‌هایی از متون مقدس را قرائت می‌کنند، با اعتقاد به اینکه این کار می‌تواند سودهای دنیوی فراوانی را نصیب آنها کند.^۱

کوزنه نیز معتقد است که یکی از شگفتی‌های عقیدتی عامه بودائیان این است که از دینی که ترک دنیا و چشم‌پوشی از مواهب و لذت‌های آن از توصیه‌های اصلی آن است، انتظار دارند که در رسیدن به خواسته‌ها و آرزوهای دنیویشان به آنها کمک کند، یا حداقل برخورداری آنها را از این مواهب تضمین نماید.^۲

یکی از آیین‌هایی که معمولاً در کشورهای تهرادهای با حضور راهبان انجام می‌گیرد و می‌توان به نوعی آن را شبیه واسطه شدن نیروهای غیبی در ادیان دیگر دانست، پَریته^۳ نام دارد، که در واقع مراسم قرائت بخش‌های برگزیده‌ای از متون مقدس پالی است. باور بر این است که این بخش‌های گزیده، بودا/واچنه^۴ یا کلام بودا، و آکنده از قدرتی نگهدارنده یا محافظ نیرومند و مقدس‌اند می‌باشند، که در زمان قرائت همه حضار را در برمی‌گیرد و موجب پیشرفت صلح و سعادت در منطقه می‌شود.

این آیین‌های سوتره خوانی در زمان آغاز هر کار مهم و یا اموری که لازم است تبرک شوند، مانند افتتاحیهٔ پارلمان، آغاز مبارزات سیاسی، شروع ساخت خانهٔ شخصی یا مراسم پوشیدن ردهای نو توسط راهبان در پایان فصل باران، اجرا می‌شوند و اغلب یک شب، و در برخی مراسم و موقعیت‌های ویژه ممکن است تا یک هفته و یا حتی یک ماه ادامه داشته باشد.^۵

افزون بر این، سنگه‌ها خاستگاه ارهت‌ها هستند و از دیدگاه تهرادهای‌ها ارهت‌ها نه تنها انسان‌هایی رستگار و رهایی یافته از دام سمساره، بلکه منابع و سرچشمه‌های غنی نیروهای جادویی و تأثیرگذار در جریان زندگی‌اند که می‌توانند بلاها را دفع کنند و به

1. Spiro, Melford E, "Extract from religion: Problems of Definition and Explanation", *Sociology of Religion*, Malcolm Hamilton (ed.), Routledge, vol. 1, 2007, pp. 72-73.
2. Conze, Edward, p. 83.
3. paritta
4. buddhavacana
5. Holt, John C., vol.11, p. 544.

کسانی که به درگاه آنها نذر و نیاز می‌کنند و از آنها حاجت می‌طلبند، موهبت‌های ببخشند. پیروان تهرواده علاوه بر بودا، اغلب به ده ارهت فقید دیگر و نیروهایی فوق انسانی آنها اعتقاد بسیار دارند و آنها را همانند ایزدهای حامی و محافظ می‌ستایند. اما علاوه بر این ارهت‌های بزرگ فقید، ارهت‌های زنده نیز بسیار مورد اعتقاد احترام و حتی پرستش‌اند. یکی از نشانه‌های جالب تحول فرهنگی در شاخه تهرواده را می‌توان در تحول معنایی اصطلاح ارهت یافت. این اصطلاح در آغاز از پیوند دو کلمه "آری"^۱ به معنای "دشمن" و "هن"^۲ به معنای "کشتن" بوجود آمد تا معنای "کشنده دشمن" داشته باشد و منظور از دشمن نیز امیال و علائق واحساسات بود. اما به تدریج این باور رواج یافت که ارهت از ریشه "ارهتی"^۳ به معنای "شایسته" و لایق پرستش است.^۴

در مناطق تهرواده‌ای گاه به گاه راهبی ادعای ارهت شدن می‌کند یا به عنوان ارهت شناخته می‌شود. مؤمنان عامی به امید دریافت خیر و برکتی از جانب این افراد، مشتاقانه به سوی آنها می‌آیند و تعویذها و طلسم‌هایی را که عکس، نشان یا نام ایشان بر آنها رسم شده و یا تکه‌هایی از موها یا ردهای آنها را به خود می‌آویزند. داستان‌های مفصل درباره تولد، زندگی خارق العاده و معجزات شگفت انگیزشان نیز نقل زبان‌ها می‌شود.^۵

یک کارکرد مهم دیگر سنگهه و راهبان آن برای توده مردم این است که با سخنان و مواظ خود زندگی را برای آنها تفسیر می‌کنند و به زندگی آنها معنا می‌دهند. البته این یکی از کارکردهای عمومی همه نظام‌ها و سازمان‌های دینی است. بدون تبیین‌ها و تفسیرهای راهبان، زندگی برای این مردم امر بی‌معنایی خواهد بود و این راهبان‌اند که می‌توانند گزارش و تفسیری نسبتاً منسجم و باورپذیر از ماهیت و مقصد زندگی راز آلود انسان، و جایگاه او در این جهان، معنای زندگی او و چگونگی رسیدن او به یک زندگی بهتر را ارائه دهند.^۶

1. ari

2. han

3. arhati

4. Conze, Edward, p. 93.

5. Swearer, Donald K. "Arhat", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, Vol. 1, p. 404.

6. Conze, Edward, p. 78.

دین بودا از همان آغاز رسالت اجتماعی نیز داشت و بودا از همان آغاز مریدان خود را به جاهای مختلف فرستاد تا پیام او را برای نجات دیگران به گوش آنها برسانند. بنابراین، سنگه به تدریج کارکردهای آموزشی و اجرایی نیز پیدا کرد. در این صورت، راهبان سنگه دو وظیفه یا کار داشتند که یکی مراقبه برای تعالی روحانی شخصی که در درون سنگه انجام می‌گرفت و دیگری آموزش درمه یا پیام بودا بود.^۱

یکی دیگر از کارکردهای خاص راهبان تهرواده برای توده مردم در کشورهای برمه، تایلند و سریلانکا در مراسم و آیین‌های مربوط به مردگان آشکار می‌شود. در این کشورها، پس از درگذشت هر شخصی، خویشاوندان او در روز هفتم، ماه سوم و یک سال پس از درگذشت او مراسم یادبودی برگزار می‌کنند که در آن از راهبان دعوت می‌شود که ضمن دریافت صدقه، به موعظه پردازند و یا بخش‌هایی از متون مقدس را قرائت کنند. باور بر این است که انجام این اعمال مذهبی ثوابی به بار می‌آورد که می‌توان آن را به فرد متوفی اهدا کرد، تا به بهتر شدن / ارزش کرمه/ی^۲ او بیفزاید و موجب شود که او در آینده زندگی بهتری داشته باشد. حضور راهبان به عنوان نماینده و نماد بودا، دهرمه و سنگه در این مراسم ضروری است و قداست فوق العاده‌ای به مجلس می‌بخشد.^۳

افزون بر این کارکردها، راهبان اسوه یک زندگی آرمانی و اخلاقی برای مردم به شمار می‌آیند. تنها آنها می‌توانند ادعا کنند که پیروان راستین بودا هستند، دست از همه چیز کشیده‌اند و آرمان دینی همگانی اما دشوار تجرد را تحقق بخشیده‌اند.^۴ از آنجا که در این دین، راه اصلی نجات واقعی در رهبانیت است، هر بودائی همواره میان دو کشش مخالف هم در تذبذب است، یعنی از یک سو آرزوی رهایی و رسیدن به رستگاری که طبق تعالیم بودا، تنها با ترک دنیا میسر است، و از سوی دیگر جذابیت‌های زندگی دنیوی و دلبستگی به زندگی خانوادگی او را به سوی خود می‌کشند. البته راه اول در نظر همگان، حتی آنها که نمی‌توانند آن را برگزینند، ارزشمندتر و مقدس‌تر است. در نتیجه، عوام همواره راهبان را

1. Holt, John C., vol. 11, p. 542.

2. Karmic merit

3. Holt, John C., Vol. 11, p 544.

4. Kashyap, J., p. 33.

اسوه شجاعت در مبارزه با نفس و پیروز در نبردی می‌دانند که خود نیز احتمالاً آن را در درون خود تجربه کرده و در آن شکست خورده‌اند.^۱

۴. ۲. علت اعتقادی

چنان که گفته شد، نظام اعتقادی بودایی همانند دیگر ادیان هند، بر مبنای باور به تناسخ و تولد دوباره در این دنیا استوار شده است. در مذهب تهرواده راه‌هایی مطلق از دام سمساره، ترک تعلق و راهب شدن است. اما طی کردن چنین راهی تنها از عهده افراد معدودی برمی‌آید. البته مذهب تهرواده به طور کلی منکر ارهت شدن یا به نیروانه رسیدن آنها نمی‌شود و ارهت شدن عوام را در موارد بسیار نادری ممکن می‌داند. ولی در صورتی که فرد عامی‌ای به چنین مقامی برسد، باید ظرف هفت روز به سلک رهبانیت در آید وگرنه خواهد مرد، زیرا یک زندگی عامیانه با پاکی مقام ارهت در تضاد است.^۲ برای یک بودایی عامی، نیروانه بسیار دست نیافتنی‌تر از آن است که در این زندگی امید رسیدن به آن را داشته باشد. کسی که هنوز به فردیت جداگانه اعتقاد دارد- چون کسی که به این فردیت باور نداشته باشد، چگونه می‌تواند خانمانی داشته باشد- هرگز نمی‌تواند به نیروانه برسد. اما باور به این فردیت، مانع از تولد فرد در جهانی بهتر نمی‌شود. کونزه می‌نویسد: «گزارش‌های ما حاکی از آن است که امید به متولد شدن در بهشت به مثابه پاداشی برای یک زندگی مطهر و مؤمنانه، در طی قرن‌ها به زندگی بسیاری از بوداییان عامی جان بخشیده است.»^۳

بنابراین، بسیاری از مردم یقین دارند که پس از مرگ در یکی از مراتب عالم متولد خواهند شد. این افراد بسیار نگران وضعیت زندگی آینده خود هستند. آنها باور دارند که اعمال فرد در حیات کنونی‌اش موقعیت او را در حیات آینده تعیین می‌کند. اگر شخص با انجام اعمال نیک بتواند در این زندگی ثواب^۴ کافی برای بعد از مرگ خود ذخیره کند، در حیات دیگر موقعیتی بهتر خواهد داشت و مهمتر از آن، ثواب اندوخته شده زندگی‌ای را

1. Brekke, Torkel, p. 106.
2. Robinson, Richard H. et al., p. 58.
3. Conze, Edward, p. 79.
4. punya = merit

برای او فراهم می‌کند که فرصت‌ها و دستاوردهای معنوی فراوان در آن وجود خواهد داشت. البته ارزش ثواب به بهتر کردن موقعیت انسان در زندگی بعدی محدود نمی‌شود و ثواب می‌تواند همین دوره از زندگی را نیز راحت‌تر و لذت بخش‌تر کند.^۱ راهبان به عوام اطمینان دادند که بخشندگی آنها به سنگه، نه تنها ثواب آخرت را به بار خواهد آورد و پس از مرگ زندگی بهتری را برای آنها رقم خواهد زد، بلکه در همین دوره زندگی نیز موجب افزایش ثروت و محبوبیت آنها در میان مردم می‌شود.^۲

بنابراین، مفهوم ثواب در فرهنگ بودائی ارتباط تنگاتنگی با نظریه کرمه و سمساره دارد و خود به یکی از مفاهیم کانونی نظام عقیدتی بودائی تبدیل شده است. در حقیقت، اندوختن ثواب برای رسیدن به یک زندگی بهتر، مبنای عقیدتی اخلاق بودائی و تلاش در جهت نیکی و خیر است و ثواب اندوژی^۳ یکی از فعالیت‌های اساسی بودائیان در همه جاست.^۴ به نظر کونزه، در شاخه تهره‌واده میل و غریزه اکتسابی انسان آگاهانه به سمت کسب ثواب سوق داده شده است.^۵

بودائیان بر این باورند که راه‌های متعددی برای ثواب اندوژی وجود دارد، ولی از نظر اکثریت آنها، ارزشمندترین و سودمندترین راه اندوختن ثواب آخرت، دانه^۶ یا صدقه و بخشش است.^۷ البته برای عوام شاید ساده‌ترین راه هم، بعد از احترام به بزرگترها که ثواب بسیار کمتری دارد، همین بخشش باشد. اگر چه راهبان معمولاً به جای بخشش به مراقبه و تعلیم عقاید دینی می‌پردازند و اصل چهارم را نیز رعایت می‌کنند، اما همان آموزش را نیز نوعی بخشش از جانب خود به عوام می‌دانند.

اما آیا همه بخشش‌ها از ارزش و ثواب یکسان و برابری برخوردارند؟ اعمال با ثواب در ادبیات بودائی به بذره‌های کاشته شده تشبیه شده‌اند. هم نوع بذر کاشته شده و هم زمین

-
1. Conze, Edward, p. 79.
 2. Robinson, Richard H. et al., p. 57.
 3. merit making
 4. Strong, John S., "Merit: Buddhist Concepts", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, Vol. 9, 1995, p. 383.
 5. Conze, Edward, p. 78.
 6. dana
 7. Strong, J. S., vol. 9, p. 384.

مورد کشت بر میزان حصول و کیفیت آن تأثیر دارند. بنابراین، همه صدقه‌ها یا بخشش‌ها از ارزش و سودمندی یکسانی برخوردار نیستند. سودمندی کره‌های هر بخششی معمولاً به کمیت و کیفیت آنچه که بخشیده می‌شود، چگونه، و با چه نیتی، در چه زمانی، و شاید مهمتر از همه این که به چه کسی بخشیده می‌شود، وابسته است.

اگر چه کمک کردن به فقرا و نیازمندان نیز عملی نیک و با ثواب است، اما هیچ هدیه و صدقه‌ای به اندازه هدیه و بخشش به سنگهه و اعضاء آن ثواب به دنبال نخواهد داشت. بنابراین، در فرهنگ بودائی، سنگهه حاصل خیزترین زمین برای کشت بذره‌های ثواب، و اصلی‌ترین دریافت‌کننده صدقات و خیرات مردم است.^۱ چنین است که دعوت گاه به گاه راهبان برای صرف غذا در منزل، اعطای رداها و دیگر وسایل مورد نیاز به آنها، تقبل هزینه‌های مراسم و جشن‌های خاص سنگهه، ساختن دیرهای جدید برای آنها و به طور کلی هر گونه صرف کردن مال و دارایی خود برای راهبان، از نظر بودائیان تهروداده در مقایسه با انواع دیگر خدمات اجتماعی و اقدامات بشردوستانه و حتی رعایت اصول بنیادین اخلاق بودائی، بهترین و باثواب‌ترین اعمال به شمار می‌رود.^۲

بنابراین امید به اندوختن توشه‌ای برای آخرت یا زندگی بعدی می‌تواند یکی از انگیزه‌های اصلی کمک مالی به سنگهه باشد. راهبان بودائی درباره ثوابی که یاری به سنگهه به بار می‌آورد، داستان‌ها ساخته‌اند. در یکی از متون بودائی روایتی ذکر شده است که بر اساس آن راهبی به نام موگالانه^۳ با دزدی مواجه می‌شود که قرار است به زودی اعدام شود. راهب برای اینکه مانع از تولد مجدد دزد بیچاره در جهنم شود، نزد او می‌رود و مقداری خوراکی و آب از او می‌پذیرد و دزد تنها به دلیل همین کار نیکی که انجام داده و البته به خاطر ارزش و فضیلت والائی که راهب داشته است، بعد از اعدام وارد عالم خدایان می‌شود.^۴ مجموعه داستان‌هایی از این قبیل در کتابی به نام *سیهالاواتواکرانه*^۵ گردآوری شده

1. White, Charles S. J., "Almsgiving", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995, Vol.1, p.216.

2. Strong, John S., Vol. 9, p. 384.

3. mogallāna

4. Gehman, H.S., *Petavatthu: Stories of the Departed, The Minor Anthologies of the Pali Canon*, Oxford, 1987, pp. 2-3.

5. Sīhalavattuokarāna

است. در این کتاب درباره بخشش به راهبان آمده است «هرگز نمی‌توان ارزش هدیه پاک را که شخصی با دل پاک به شخصی با فضیلت تر می‌دهد سنجید...»^۱ همچنین در برخی از متون بودائی آمده است که شخص می‌تواند توشه‌ای را که با بخشش به سنگه یا راهبان اندوخته است، به دیگری، به ویژه به اعضای خانواده‌اش واگذار کند.^۲ در واقع، یکی از وظایف فرزندان نسبت به والدینشان آن است که پس از مرگ آنها برای کمک به آنها در یافتن سطح زندگی بهتر، هدایای ارزشمندی به نام آنها به سنگه بدهند.^۳ برای این منظور شخص باید در هنگام انجام عمل صواب به صورت دقیق و روشن مشخص کند که می‌خواهد پاداش آن عمل نصیب چه کسی شود. این کار به معنای آن نیست که او بخشی از ثواب عملی را که انجام داده از دست می‌دهد، برعکس طبق رساله «ده عمل پر ثواب»، اعطای ثواب اندوخته خویش به دیگران خود یکی از راه‌های اندوختن ثواب است.^۴

البته این باور با آموزه‌های بودا و یکی از اصول اساسی نظریه کرمه که با توجه به آن شخص تنها محصول نیک و بد اعمال خود را می‌بیند، در تضاد است. این ایده در هیچ یک از متون کهن بودائی نیر نیامده و احتمالاً از مکتب مهاییانه اقتباس شده است، زیرا در مهاییانه بودیستوها همین کار را می‌کنند و می‌توانند با استفاده از گنجینه بی پایان فضیلت و نیکی خود، به نجات دیگران کمک کنند. با این همه، باور به امکان انتقال ثواب اعمال خود به دیگری در میان پیروان تهراده کاملاً رایج است. باید توجه داشت که در این فرایند انتقال ثواب، سنگه به عنوان واسطه نقش مهمی را ایفا می‌کند و ثواب اعمال تنها وقتی به شخص مورد نظر می‌رسد که بهره‌ای آن اعمال در این دنیا نصیب سنگه شده باشد.^۵

آیا وابستگی اقتصادی سنگه به عوام از احترام راهبان و سنگه نزد آنان نمی‌کاهد؟ باور به نقش بخشش به سنگه و راهبان در کسب فضیلت و اندوختن توشه‌ای برای کسب زندگی بهتر در آینده موجب شده است که بودائیان قبول هدیه یا کمک خود از جانب

1. Egge, James R., *Religious Giving and the Invention of Karma in Theravāda Buddhism*, London, Routledge, 2002, p. 102.

2. Keown, Damien, p. 40.

3. Robinson, Richard H. et al., p. 57.

4. Strong, John S., vol.9, p. 384.

5. Idem, vol.9, p. 385.

راهبان یا سنگه را لطفی از جانب آن بدانند، زیرا بر آن باورند که سنگه با قبول این هدایا، فرصت کسب فضیلت و اندوختن توشه آخرت را به آنها داده است.

در برخی شرایط ممکن است که سنگه از پذیرش صدقات برخی افراد خودداری کند و این تنبیهی برای آن افراد به حساب می‌آید چون، در این صورت آن شخص از کسب فضیلت و فرصت اندوختن توشه آخرت محروم می‌شود. این تنبیه هم چنین از وجهه و حیثیت اجتماعی شخص می‌کاهد. در یکی از متون بودائی آمده است که بودا راهبان را از پذیرش صدقه یکی از پیروانش برحذر داشت. گناه این فرد تهمت زدن به فردی عقیف و نیکوکار بود. آمده است که وقتی آننده خبر این مجازات را به گوش وی رساند، او بیهوش نقش بر زمین شد.^۱

گذشته از این، اساساً در فرهنگ بودائی راهبان و راهبه‌ها از هر نظر برتر از عوام تلقی می‌شوند و بنابراین شایسته حمایت و احترام بی قید و شرطاند.^۲ توصیه‌ها و دستورالعمل‌های خاصی نیز وجود دارد که مانع از ظهور این نگرش در ذهن صدقه دهنده می‌شود که خود را برتر از راهب و ولی نعمت او بدانند. خودبرتری‌ای که ممکن است نسبت به سائل در ذهن کمک کننده شکل بگیرد، تهدیدی برای رابطه مبتنی بر برتری‌ای است که میان راهب و فرد عامی وجود دارد.^۳

به همین دلیل، یکی از شرط‌هایی که برای بخشنده تعیین شده آن است که او نباید در ذهنش خود را برتر از کسی بداند که چیزی را به او می‌بخشد. گذشته از این، چنانکه گفته شد صدقه دهنده باور دارد که خیری که او از طریق این بخشش بدست می‌آورد و توشه نیکی که بر کرمة خود می‌افزاید، بسیار ارزشمندتر از آن چیزی است که می‌بخشد.

گامبریچ می‌گوید که راهبان بودائی هدیه را از نظر نیت بخشنده به دو دسته تقسیم کرده اند: یکی هدیه‌هایی که از روی احترام داده می‌شوند و دیگری هدیه‌هایی که از روی دلسوزی و ترحم بخشیده می‌شوند. هدیه اول همانند هدیه‌ای است که شخص به سنگه

1. Ibid., p. 106.

2. Ibid., p. 99.

3. Ibid., p. 101.

می‌دهد، و هدیه دوم همانند صدقه‌ای است که شخص به یک گدای معمولی می‌بخشد و بنابراین، ارزش نوع اول با نوع دوم قابل مقایسه نیست.^۱

پرسش دیگری که می‌توان مطرح نمود این است که آیا وابستگی اقتصادی سنگه به عوام موجب اعمال نفوذ آنها در سنگه نمی‌شود؟

پاسخ این پرسش مثبت است، زیرا در متون بودائی پالی شواهد متعددی یافت می‌شود که نشان می‌دهند چگونه عوام قدرت تأثیرگذاری، نه تنها بر تصمیمات راهبان، بلکه بر کل ساختار سنگه را داشته‌اند. این قدرت عوام ناشی از وابستگی راهبان به حمایت‌های آنهاست و آنها می‌توانند در صورت عدم رضایت از سنگه، دست از حمایت آنها بردارند. به عنوان نمونه، در بخش دهم مهاوگه آمده است که از راهبی به نام کوسامبی خطائی سر زد و وی محکوم به تنبیهی شد. او تن به این تنبیه نداد و گروهی از راهبان نیز جانب او را گرفتند، در نهایت گروهی از عوام که طرفدار کوسامبی بودند، با تهدید سنگه به قطع حمایت‌های خود از آن، باعث تبریئه کوسامبی و رهایی او از تنبیه شدند. همچنین در یکی دیگر از متون پالی آمده است که در آغاز راهبان در همه فصل‌های سال، از جمله فصول بارانی، در حال سفر بودند تا اینکه مردم به بودا اعتراض کردند که آنها در فصول بارانی بسیاری از کشت زارها و گیاهان و جانوران کوچک را لگدمال می‌کنند. در نتیجه بودا از راهبان خواست که در ایام بارانی سفر نکنند.^۲

افزون بر این، اگر بهیکهویی شأن ردای رهبانیت را رعایت نکنند، همان عوام روستا یا منطقه آن را از تن او بیرون می‌آوردند و حتی او را از محل زندگی خود بیرون می‌رانند. مردم از نقض آداب سلوک و رفتار راهبان، بسیار بیشتر از نقض قوانین مدنی عرفی جامعه آزرده می‌شوند.^۳ فیلدینگ‌هال در این باره می‌نویسد: « مادامی که یک راهب، آنگونه که شایسته اوست رفتار کند، بسیار مورد احترام است و با القاب بسیار محترمانه مورد خطاب قرار می‌گیرد. او مایه افتخار زادگاه خود است. اما به محض آنکه اصول را زیر پاگذارد،

1. Gombrich, R. F., *Percept and Practice: Traditional Buddhism in the Rural Highlights of Ceylon*, Oxford, Oxford University Press, 1971, Pp. 248-249.

2. Brekke, Torkel, p. 100.

3. Robinson, Richard H. et al, p. 50.

قداست او بر باد می‌رود. روستائیان او را از روستا بیرون می‌کنند، غذا از او دریغ می‌دارند، و او را مایهٔ عبرت ساخته و سرزنش می‌کنند.^۱

نتیجه

تبعیض جنسیتی آشکاری بر روابط اعضاء سنگهه با یکدیگر حاکم است. قوانین حاکم بر این روابط بر برابری راهبان و برتری ذاتی راهبان بر راهبه‌ها تأکید دارند. سنگهه به عنوان مهمترین نهاد دینی - اجتماعی در جوامع بودایی تهرواده‌ای، برای تداوم حیات خویش ناچار به انطباق خود با دیگر نهادهای جامعه، و پذیرفتن نقشی مؤثر در حیات اجتماعی معتقدانش بود. این واقعیت موجب آن شد که سنگههٔ تهرواده‌ای، با وجود همهٔ ادعاهایی که دربارهٔ اصالت و پیروی دقیق از تعالیم بودا و مخالفت با بدعت‌های دینی دارد، کارکردهایی چون انجام برخی آیین‌های دینی را برعهده گیرد که بودا در زمان حیات خویش نگاهی منفی به آنها داشت. همچنین سنگهه برای تشویق عوام به اعطای کمک‌های مالی به آن، باورهایی چون تأثیر کمک مالی به سنگهه در رستگاری اخروی افراد را در جامعه ترویج نموده است که با جوهرهٔ تعالیم بودا و مذهب تهرواده ناسازگار است. نظارت غیررسمی عوام بر سنگهه، و تأثیرگذاری بر برخی از تصمیم‌های آن از دیگر نتایج وابستگی اعتقادی سنگهه به آنهاست.

منابع

- Bareau, André, "Hinayana Buddhism", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995.
- Bechert, Heinz, "Samgha", in *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995.
- Brekke, Torkel, *Religious Motivation and the Origins of Buddhism*, London, Routledge, 2002.
- Collcut, Martin, "Buddhist Monasticism", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995.

1. Humphreys, Christmas, *Buddhism*, Penguin Books, 1955, p. 135.

- Conze, Edward, *Buddhism: Its Essence and Development*, New Delhi, Munishram Manoharlal Publishers, 2001.
- Coomaraswamy, Ananda K., *Buddha and the Gospel of Buddhism*, New Delhi, Munshiram Manoharlal Publishers, 2003.
- Egge, James R., *Religious Giving and the Invention of Karma in Theravāda Buddhism*, London, Routledge, 2002.
- Eliot, Sir Charles, *Hinduism and Buddhism, A Historical Sketch*, Curzon Press, 1998.
- Gehman, H.S., *Petavatthu: Stories of the Departed, The Minor Anthologies of the Pali Canon*, Oxford, 1965.
- Gombrich, R. f., *Percept and Practice: Traditional Buddhism in the Rural Highlights of Ceylon*, Oxford: Oxford University Press, 1971.
- Hirakawa, Akira, *A History of Indian Buddhism*, Harvard, Harvard University Press, 1990.
- Holt, John C., "Buddhist Priesthood", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, Vol. 11, 1995.
- Horner, I. B., *Women under Primitive Buddhism*, London 1930.
- Humphreys Christmas, *Buddhism*, Penguin Books, 1955.
- Kashyap, J., "Origin and Expansion of Buddhism", *The Path of the Buddha*, Kenneth W. Morgan (ed.), New York, Ronald Press, 1956.
- Keown, Damien, *Buddhism*, New York, Oxford University Press, 1996.
- *Oxford Dictionary of World Religions*, John Bowker (ed.), Oxford University Press, 1997.
- Pachow, W., *A Comparative Study of the Pratimoksha*, India, Sakntiniketan Press, 1955.
- Prebish, Charles, S. & Keown, D., *Introducing Buddhism*, Routledge, 2006.
- Radhahrishnan, S. (trans), *The Dhamapada*, Oxford, Oxford University Press, 1982.
- Robinson, Richard H. et al., *Buddhist Religions*, Thomson Wadsworth, 2005.
- Seneviratne, H. L., "Samgha and Society", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995.

- Spiro, Melford E., "Extract from Religion: Problems of Definition and Explanation", *Sociology of religion*, Malcolm Hamilton (ed.), Routledge, 2007.
- Strong, John S., "Merit: Buddhist Concepts", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995.
- Sunanda, Putuwar, *The Buddhist Sangha*, New York, 1991.
- Swearer, Donald K., "Arhat", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995.
- White, Charles S. J., "Almsgiving", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995.